

نگاهی به کتاب «حیرت یک زن مسلمان: در ارث، ازدواج، و همجنس‌گرایی

زیبا میرحسینی*

آزادی اندیشه:

کتاب «حیرت یک زن مسلمان: در ارث، ازدواج، و همجنس‌گرایی»^[1] که در زیر معرفی می‌شود، نوشته‌ای است از پژوهشگر سرشناس تونس، الفه یوسف. این کتاب در اصل به زبان عربی نوشته شده است. معرفی و نقد حاضر را زیبا میرحسینی بر مبنای ترجمه انگلیسی این کتاب و به همان زبان نوشته است که زمانه مفیدی (دانشجوی دکترا در دین شناسی) آن را به زبان فارسی ترجمه کرده است.

دکتر الفه یوسف، استاد دانشگاه، پژوهشگر و نویسنده پرکار تونس است که در زبان شناسی عربی، روانکاوی، و اسلام شناسی کاربردی تخصص دارد. او تحصیلات عالی خود را در تونس و فرانسه انجام داده است. نوشته‌های متعدد، مصاحبه‌های تلویزیونی، حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی، و نقد‌ها و مناظره‌های بلیغی که در چالش فقیهان و تفسیرها و قانون‌های سنتی شریعت می‌کند، او را به یکی از فمینیست‌های مسلمان با نفوذ در کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی بدل کرده است.

1- Olfa Youssef. The Perplexity of a Muslim Woman: Over Inheritance, Marriage, and Homosexuality. Lanham, MD: Lexington Books/Rowman & Littlefield Publishers, 2017.

سوره ۵۸ قرآن مجادله نامیده می‌شود. شان نزول آیه مربوط به واقعه‌ای است در مدینه، زمانی که زنی مسلمان به پیامبر شکایت برد و تا حق خود را نگرفت محضر او را ترک نکرد. بعد از سال‌ها زندگی زناشوئی و فرزندآوری شوهرش به او گفته بود: «تو برای من مثل پشت مادرم هستی». جمله نوعی سوگند جاهلی بود که هر گاه شوهر آنرا به زبان می‌آورد رابطه جنسی او با همسرش حرام می‌شد. نتیجه نوعی جدائی بود که «ظهار» نامیده می‌شد. در شرایط ظهار، شوهر از تمام وظایف زوجیت معاف می‌شد در حالی که زن در شرایط برزخ گونه باقی می‌ماند، نمی‌توانست شوهرش را ترک کند یا دوباره ازدواج کند. طبعاً بدون کمک شوهر و یا همسر جدید، راهی هم برای حمایت از خود و فرزندان‌شان نداشت. زنی که به پیامبر مراجعه کرده بود خواستار تجدید پیمان زناشوئی اش شده بود. گزارشی از واقعه حاکی از آن است که در آغاز پیامبر راه حلی بر این مسئله نیافته بود (سوگند قابل شکستن نبود) و زن بر شوهرش حرام شده بود و امکان تجدید پیمان زناشوئی نبود. با این حال زن این سخن را نپذیرفت و به بحث با پیامبر ادامه داد. بحث آنان تا مداخله الهی ادامه داشت. بدین ترتیب آیات اولیه سوره مجادله نازل شد: «خداوند سخنان آن زن را که با تو درباره همسرش مجادله می‌کرد و شکایت به خدا می‌برد شنید - خداوند گفتگوی شما را می‌شنود که خدا شنوای داناست» (۵۸:۱). آیات بعدی (۵۸:۲-۵) این نوع جدائی (ظهار) را محکوم و منسوخ کرد.^[۲]

بعد از رحلت پیامبر وحی قطع شد و روند به حاشیه راندن زنان و مصالح آنان هر چند به آرامی ولی با قدم‌های محکم در دستور کار قرار گرفت. بطوری که تقریباً دو قرن بعد، زمانی که مکاتب فقهی شکل گرفته و جا افتاده بودند، دیگر صدای زنان خاموش گشته بود و علائق و مطالبات آنان در روند قانونگذاری لحاظ نمی‌شد. با اینحال زنان تسلیم نشدند و این مجادله و مطالبه عدالت همچنان ادامه دارد. الفه یوسف یکی از این زنان است و کتاب او، حیرت یک زن مسلمان: در ارث، ازدواج، و همجنسگرایی، نمونه

2- Nasr, Seyyed Hossein, et al. The Study of Qur'an: A new translation and commentary. New York: Harper One, 2015. Both the translation of the verse and the account come from this source.



ای بلیغ از سنت مجادله در موضوعات مورد مطالبه زنان مسلمان، این بار در قرن بیست و یک است.

حیرت یک زن مسلمان اولین کتاب از این محقق پرکار و پرآوازه تونسی است که به زبان انگلیسی ترجمه شده و در دسترس قرار گرفته است. با تشکر از مترجم این اثر، لامیه بن یوسف، که خود معلم و محقق ادبیات قرن نوزده در زبان‌های فرانسه، انگلیسی، و عربی و ساکن ایالات متحده است. چاپ نخست کتاب به زبان عربی مربوط به سال ۲۰۰۸ است. کتاب مکرراً تجدید چاپ شده و نسخه‌های غیرمجاز آن بصورت آنلاین موجود است. سال ۲۰۱۰، بن یوسف کار ترجمه را از اینکه از چنین آثار عربی مهمی ترجمه به انگلیسی وجود ندارد، آغاز کرد. هدف او، آنگونه که خود می‌نویسد، شکستن سکوت محافل آکادمیک انگلیسی زبان درباره پژوهش‌های نقادانه زنان مسلمان خاورمیانه و شمال آفریقا در حوزه مطالعات اسلامی است. او در طی یک پیشگفتار ارزشمند، از چالش‌هایی صحبت می‌کند که به عنوان یک مترجم با آن روبرو شده بود. او همچنین پیش درآمدی مفید از زندگی و آثار الفه یوسف قبل و بعد از انقلاب تونس ارائه کرده است.

الفه یوسف، متولد ۱۹۶۶، متعلق به اولین نسلی است که از اصلاحات قانونی و آموزشی حیب بورقیه، نخستین رئیس جمهور تونس (۱۹۵۵-۱۹۸۷)، برخوردار شدند. قانون خانواده تونس که بلافاصله بعد از استقلال تدوین شده بود همچنان پیشرفته‌ترین و مساوات‌گراترین قانون خانواده در میان کشورهای با اکثریت مسلمان و تنها نمونه ایست که چند همسری را ممنوع کرده است. در دهه شصت، مدرسه مذهبی و بسیار معتبر الزیتونه در سیستم آموزشی سکولار تونس ادغام و تبدیل به کالج دانشگاهی گردید. این امر منجر به تحقیقاتی در حوزه معارف اسلامی و تاریخ گردید که توسط محققان علوم انسانی و اجتماعی و ورای محدودیت‌های دیدگاه سنتی صورت گرفته بود. علیرغم حکومت خودکامه بورقیه، اصلاحات او در جهت مدرن‌سازی کشور مسبب ایجاد فضائی شد که در آن اندیشمندان مسلط به زبان‌های عربی و فرانسوی توانستند بکارگیری شاخه‌های جدید دانش از قبیل هرمنوتیک، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانکاوی را به ابزارهای درک سنت دینی بیافزایند.

آنچه الفه یوسف را از سایر محققان این رشته متمایز کرده است، توانائی او در جلب مخاطب‌های بیشتر و وسیع‌تر است. او از همان اوایل دهه نود، با ارائه برنامه‌ها و مشارکت در بحث‌ها، در کانال‌های ماهواره ای تونس و عربی ظاهر شده است. در وبلاگ خود قلم زده و فعالانه در فیس بوک و توئیتر حضور دارد. او همیشه در معرض انتقادات شدید نیز بوده است. ولی پس از انقلاب ۲۰۱۰ این انتقادات لحن خشونت آمیزی به خود گرفت. با این حال او همواره به زبان عربی، با سبکی شیوا و متبحرانه با منتقدین خود روبرو شده است. به دنبال حضور در جشن سالگرد قانون احوال شخصیه تونس (اعلامیه سیزده آگوست ۱۹۵۶) و تهدید او به ترور، از آگوست ۲۰۱۳ تا کنون الفه یوسف تحت حفاظت پلیس قرار گرفته است.

تمرکز کتاب حیرت یک زن مسلمان بر آن آیاتی از قران است که مستمسک توجیه سهم کمتر زنان در ارث، فرودستی آنان در قرار ازدواج، و تعرض به اشکال گوناگون روابط جنسی (sexual diversity) قرار گرفته اند. طی یک مقدمه کوتاه، یوسف بر ضرورت به چالش کشیدن خوانش سنتی از قران تاکید می‌کند. این ضرورت به دلیل قدرت و نفوذ عظیمی است که این تفکر و خوانش سنتی بر ذهنیات مسلمانان و فقه اسلامی دارا می‌باشد. تسلط این خوانش مسلمانان را بین دو مسیر به ظاهر مغایر قرار داده است. یا به دینی که برابری جنسیتی را نفی، همجنس‌گراها را مجازات، و زنان را مطیع بی چون و چرای امیال جنسی شوهر تعریف می‌کند، پشت کنند و یا با پذیرش تفاسیر خشک و قشری علمای دینی از قران، آنان را مبدل به سخنگویان رسمی خدای عز و جل سازند (۲۲).

یوسف هر دو جهت گیری را مسئله دار و مخدوش می‌بیند. اولی به این علت که زیرساخت‌های فرهنگی در حوزه ناخودآگاه جمعی قرار دارند و افرادی که در چنین جوامعی متولد یا با آن معاشر شده اند قادر به حذف تاثیرات ناخودآگاه جمعی، به طور مثال، با یک حرکت قلم یا یک برخورد منطقی، نخواهند بود. دومین جهت گیری نیز مخدوش است زیرا اشخاصی که برداشت‌های سطحی و جزمی را می‌پذیرند در نهایت به جای پرستش خدا، به وادی پرستش فقیه یا عالم دینی به اشکال و صور گوناگون فرو خواهند



افتاد (۲۲). به نظر یوسف راه سومی وجود دارد: دیندار بمانیم و در عین حال پشتیبان فهمی مدرن از عدالت و قوانین عادلانه باشیم. این امر با قبول ظرفیت قرآن برای خوانش‌های غیر سنتی و از طریق اجتهاد میسر خواهد بود. او مصرانه بر این امر تاکید می‌کند که علیرغم پندار عده ای، اتخاذ این روش نه به معنای مصالحه با دیدگاه سنتی است و نه جعل حقایق دینی. هدف «طرح سوال و تعقلی از سر اشتیاق به یافتن حقیقتی است که، علیرغم ادعای بعضی دال بر تملیک آن، شخصا صاحب آن نیستیم» (۲۲). «من قویا معتقدم که این نه به معنای یافتن حقیقت غائی است و نه تفسیری بی ابهام و صریح از کلام الهی، چرا که تنها خدا به معنای حقیقی قرآن آگاه است» (۲۱).

یوسف با رد هر گونه تفکر مطلق‌گرا، چه در لباس مذهب چه با ظاهر سکولار می‌نویسد، «من در دورترین نقطه نسبت به بنیادگرایی چه در نوع مذهبی و چه مدرن آن ایستاده‌ام: من هیچ پاسخ‌نهایی یا حی و حاضر و آماده پیشنهاد نمی‌دهم زیرا اهل عرصه ای هستم که در آن پاسخ‌ها بعد از پرسش‌ها، و قطعیت بعد از حیرت می‌آیند» (۲۲). آنچه یوسف پیشنهاد می‌کند رویکرد و روش تحلیلی است که مسلمانان را قادر به تلفیق ایمان و مدرنیته می‌کند. مدرنیته ای ریشه دار و بالیده از درون سنتی بومی.

«من معتقدم قرآن، هر چند کلام خدا، یک گزاره زبان‌شناختی است که مانند هر گزاره دیگر در معرض تفسیر و تعبیر قرار می‌گیرد. و تاکید می‌کنم، هر کس مدعی مالکیت معنای حقیقی و منحصر به فرد قرآن باشد به نام باری تعالی سخن گفته است و خود را در جایگاه خداوند علیم و دانای مطلق نشانده و این توهم را برای مردم ایجاد کرده که صاحب حقیقتی است که تنها مالک حقیقی آن خدای عز و جل می‌باشد» (۲۱).

کتاب «حیرت یک زن مسلمان»، چالشی قدرتمند و پر مایه در برابر خوانش سنتی از متون مقدس اسلامی است. کتاب مشتمل بر سه فصل است که طی آن یوسف موارد ابهام برانگیز از تفاسیر سنتی و برداشت‌های قانونی از آن را برمی‌شمارد. نتیجه‌گیری کلی وجود ندارد با این حال هر فصل به موخره ای کوتاه تحت عنوان «بعد از حیرت چیست؟» ختم می‌شود که طی آن خلاصه ای از مباحث کلیدی و مدارک ارائه شده طی فصل به همراه چند پرسش

اخلاقی و منطقی، که نشانگر ضرورت به چالش کشیدن موضوع است، مطرح می‌گردد.

تمرکز فصل اول بر موضوع نابرابری جنسیتی در قوانین ارث است، محدوده ای که معمولا تصور می‌شود امکان تغییر و اصلاح ندارد. دلیل این امر، آنگونه که ادعا می‌شود، وجود نص صریح قرآن درباره موضوع ارث است که راه را بر هر گونه تفسیر یا اجتهاد می‌بندد. یوسف کذب این گونه استدلال را نشان می‌دهد. او به وجود آیاتی اشاره می‌کند که بر مبنای آنان سهم ارث زنان برابر و یا حتی بیشتر از مردان است.

در آیات مربوط به ارث این انصاف و مساوات است که تعیین کننده سهم الارث است و نه جنسیت. او همچنین مواردی را خاطر نشان می‌کند که متن صریح قرآنی به نفع عدالت (قرآنی) نادیده انگاشته شده است. یکی از اولین موارد زمانی بود که عمر بن خطاب، خلیفه دوم، اجرای دو آیه صریح قرآن را به نفع عدالت متوقف کرد: یک مورد در رابطه با قطع دست دزد و دیگری تقسیم زکات. مورد دیگر نسخ برده داری در قرن نوزده به اجماع مسلمانان است در حالی که قرآن آن را منسوخ نکرده بود.

فصل دوم کتاب درباره موضوع تحقیقی خودم صحبت می‌کند. بحث با این سوال آغاز می‌شود که آیا در یک قرار ازدواج، مهریه (صداق) واجب است یا خیر؟ مهریه مبلغی پول یا هر چیز باارزشی است که شوهر در شروع ازدواج یا بعدا (به زن) می‌پردازد. فقه اسلامی مهریه را از اجزاء واجب قرارداد ازدواج تعریف کرده است. در ادامه بحث، یوسف در صدد است تا نشان دهد، اولاً حتی یک آیه در قرآن نمی‌توان یافت که ناظر بر اجباری بودن مهریه باشد. دوم اینکه بعضی از ازدواج‌های خود پیامبر نیز بدون مهریه صورت گرفته است. بحث او این است که مهریه سنتی بوده است که قرآن نه آن را ممنوع کرده است و نه واجب. قرآن فقط زن را به عنوان دریافت کننده مستقیم مهریه به جای پدر یا سرپرست قانونی اش تعیین می‌کند (۵۱-۵۰). او می‌پرسد، حالا که ما می‌دانیم در قرآن مهریه شرط لازم برای عقد ازدواج نیست پس توجیه این امر که فقه اسلامی مهریه را یکی از سه رکن واجب ازدواج قرار داده است چیست؟ دو رکن دیگر عبارتند از: ایجاب



(از جانب زن و سرپرست او) و قبول (از جانب مرد). پاسخ خود او این است که اکثر مفسرین قرارداد ازدواج را نوعی قرارداد تجاری می‌بینند. آنچه در یک قرار ازدواج فروخته می‌شود مهبل زن است که شوهر در ازای پرداخت مهریه مالک می‌شود. یوسف به نقل از یکی از بزرگترین مفسران اولیه قرآن، فخرالدین رازی، می‌نویسد، «اگر خدای متعال پرداخت مهریه را به آنان (به حقوق زنان) اضافه کرد به دلیل قیمت کالای آنان است» (۵۱). یوسف سپس می‌افزاید، اما نه در قرآن و نه در احادیث پیامبر هیچ‌گونه نشانه، صریح یا ضمنی، دال بر ارتباط بین مهریه به عنوان اجرت و مهبل زن به عنوان کالا وجود ندارد. جمع بندی او از این بحث موید این نظر است که اینگونه نگرش‌ها و روش‌های استدلال مشابه فخرالدین رازی فقط می‌تواند بازتاب بستر تاریخی یعنی تلقیات زمانه و تصورات اجتماعی عصر مفسر باشد که به قرآن نسبت داده شده است. به همین دلیل، فقهای معاصر که متعلق به ساختار فکری-اجتماعی زمان متفاوتی هستند حتی از به زبان آوردن این (پیشفرض فقهی) که مهریه نوعی مبادله تجاری (با متاع جنسی زن) است احساس شرم می‌کنند. با اینحال آنان همچنان، بدون برملا ساختن یا به چالش کشیدن پیشفرض‌های حقوقی که زمینه ساز چنین احکامی در قوانین ازدواج است، ناخودآگاهانه تئوری «متاع جنسی زنان» را بازتولید می‌کنند. دنباله فصل کنکاشی است روشنگرانه در عرصه‌های دیگر ازدواج و روابط جنسی، تحت عناوین کنجکاوی برانگیز از قبیل: حیرت سه: اطاعت از شوهر در بستر - یا - حیرت نه: سکس بوسیله دست (استمناء).

فصل آخر کتاب، حیرت در باب همجنس‌گرایی، حاوی بحثی است روشنگرانه درباره جرم انگاری روابط میان همجنس (همجنس‌گرایی). با ظهور اسلام سیاسی و احیای مضامین کیفری فقه در موضوع رابطه جنسی خارج از قرار ازدواج، این بحث به عرصه بحران عمیقی در رابطه با قوانین بین‌المللی حقوق بشر مبدل گردید. سخن یوسف حاوی این مطلب است که چنین جرم انگاری زمینه در قرآن و سنت ندارد. رجوع به آنان (قرآن و سنت) خود موجب سردرگمی و سوال برانگیز خواهد بود (۱۰۳). قرا

قرآن هیچ اشاره ای به رابطه جنسی زن با زن ندارد و عبارتی که از آن

برای توجیه حرام بودن رابطه جنسی مرد با مرد (داستان مردم لوط) استفاده می‌شود مربوط به صدمه زدن به دیگران است و در بحث تمایلات جنسی، مشخصا به تجاوز مرد به مرد اشاره دارد (۱۲۷). هدف یوسف در این فصل، برجسته کردن موضوعاتی است از قبیل اختلاف نظر علمای دینی پیرامون این مطلب و تفاوت عظیم بین رویکرد فقها و علمای دینی و مفسران قدیم با توده عادی مسلمان عصر حاضر در برخورد با مقوله همجنس‌گرایی (۱۲۷). از نظر یوسف، زشت انگاری همجنس‌گرایی بر مبنای چنین قواعد ذهنی، گویای اضطرابات روانی و استنکاف از پذیرش تفاوت‌ها است، اگر نگوئیم ناشی از دوگانگی روانشناختی در سطح ناخودآگاه است.

کتاب حیرت یک زن مسلمان: در ارث، ازدواج، و همجنس‌گرایی اثری است برجسته در عرصه منطق و خردورزی که در طی آن یوسف محاوره‌ای نقادانه با مفسران و فقهای کلاسیک و معاصر دارد؛ تا نشان دهد چگونه در طی قرون متوالی این تعبیر و تفسیرهای انسانی بوده است که راه را بر گزینه‌های خوانش عادلانه از قرآن بسته است. این کتاب مشارکت ارزشمندی است در حوزه جدیدی از آثار ادبی که اهتمام بر خوانشی نوین دارد؛ خوانشی متأثر از ارزش‌ها، علائق، و مسائل قرن بیست و یکم. خوانشی که به مسلمانان اجازه میدهد در ایمان خود باقی بمانند و در عین حال منتقد تفاسیر غالب از متون و احکام موجود باشند. یعنی تفاسیری که توجیه گر تبعیض به نام اسلام و مسلمانی است.

کار لامیه بنیوسف، یعنی ترجمه بسیار خوب متنی که در وهله نخست برای خوانندگان «درونی» (مسلمانان) نوشته شده بود، نیز در نوع خود بسیار ارزشمند است. با این حال چند ایراد کوچک نیز بر آن وارد است. مهمترین ایراد، ترجمه کلمه «مساوة» به «equity» است (برای مثال ص ۲۲ و ۴۲). در واقع «equity» اصطلاحی است که مدافعان دیدگاه فقه سنتی از مفاهیم جنسیتی بکار می‌برند و مقصودشان از آن «مکمل» یکدیگر بودن (و نه حقوق برابر داشتن) است، مفهومی که فرسنگ‌ها از مقصود الفه یوسف از بکار بردن لفظ «مساوة» فاصله دارد که معنای آن در متن به وضوح «برابری و مساوات» است. ایراد کم اهمیت تر، ترجمه نادرست مهر/صدق به «dowry»



است؛ دقیق بگویم، مهریه «dower» است؛ «dowry»، که در قوانین اسلامی یا سنت‌های مسلمانان وجود ندارد، تقریباً برعکس «dower» است.

* زیبا میرحسینی استاد انسان‌شناسی حقوقی، پژوهش‌گرفمینیسم اسلامی، عضو مرکز مطالعات قوانین اسلام و خاورمیانه مدرسه عالی مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن است